



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال سوم (دوره جدید) / شماره نهم / پاییز ۱۴۰۰



20.1001.1.26764830.1400.3.9.2.2

موضوع نشریه مکتب اسلام در مواجهه با اندیشه تغییر خط فارسی

طلعت ده پهلوان^۱

(۲۵-۴۰)

چکیده

یکی از موضوعات جنجالی در دو قرن اخیر در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی موضوع «تغییر خط فارسی» است. اندیشه تغییر خط فارسی دامنه دراز دارد، اما در طول دو دهه سال اخیر بیش از پیش مورد توجه واقع شده است؛ پیرامون تحولات آن واکنش‌های مختلف و گاه افراطی، از جانب مجامع دینی و مذهبی ایران، در سال‌های اخیر صورت گرفته است. یکی از کانون‌هایی که این اندیشه را دنبال می‌نمود نشریه مکتب اسلام است که در آن مقالات فراوانی پیرامون مقابله با موضوع تغییر خط ارائه شده است. دو دیدگاه کاملاً متفاوت (موافقان و مخالفان) که حسن ظن کافی نسبت به یکدیگر ندارند پیرامون موضوع تغییر خط فارسی اظهار نظر نموده‌اند. یکی از این دیدگاه‌های مهم پیرامون تغییر خط بحث توطئه علیه دین اسلام می‌باشد. این موضوع باعث صدمه به مفاهیم اسلامی و، به تبع آن، خدشه در نوع دین‌داری مردم خواهد شد. نتیجه اینکه، با توجه به ساختار فنی بحث، توجه آن‌ها به اثبات این نکته بود که کسانی درصدد بودند تا با توطئه‌ای از پیش برنامه‌ریزی شده موضوع تغییر خط را دنبال کنند و، آگاهانه یا ناآگاهانه، به دین اسلام صدمه وارد کنند. موضوع نشریه مکتب اسلام در عناوین و تیرهای مقالات درباره اصلاح و تغییر خط سوءنیت طراحان تغییر خط را آشکار می‌کند. لذا این مقاله درصدد است، با هدف تبیین دیدگاه‌های متعدد پیرامون اندیشه تغییر خط فارسی در مجله مکتب اسلام به روش توصیفی-تحلیلی و بررسی مقالات نشریه مکتب اسلام و دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای نویسندگان در این مجله، به یکی از موضوعات مهم تاریخ معاصر کشور پاسخ دهد.

واژه‌های کلیدی: خط فارسی، فرهنگ اسلام، مجله مکتب اسلام، مذهب، نویسندگان.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. T.dehpahlavan@razi.ac.ir

مقدمه

زمان رسول الله (ص) در جزیره العرب، دو خط «کوفی» و «نسخ» وجود داشته است. با ورود اعراب مسلمان به ایران، در زمانی نسبتاً کوتاه، خط پهلوی که در آن زمان خط نوشتاری اکثر مناطق ایران بود از کاربرد عمومی ساقط شد، و دو خط «کوفی» و «نسخ» جایگزین شد. خط کوفی از برخی خط‌های رایج در کشورهای دیگر، همانند خط پهلوی در ایران، آسان‌تر بود، اما خود این خط نیز کاستی‌ها و عیب‌های بزرگی داشت. برخی دانشمندان مسلمان از ابتدا متوجه آن‌ها بوده و برای از میان بردن آن عیب‌ها و رسایی خط کوشش‌هایی کردند و کارهایی انجام دادند. از آن جمله است:

۱. ابداع حرکات حروف خط کوفی به شکل نقطه توسط «ابوالاسود دوئلی».
۲. ابداع «نقطه» و ابداع «زیر و زبر» با دوایر کوچک و یا خطوط مورب نازک توسط «یحیی بن یعمر العدوانی» در خط کوفی.
۳. پیشنهاد علائمی شامل: فتحه، ضمه، کسره، سکون، تشدید، مد، همزه و تنوین توسط «خلیل ابن احمد فراهیدی» (استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵).

چندین قرن، خط یا زبان نوشتاری مردم ایران خط عربی بود و مردم ایران به زبان فارسی چیزی نمی نوشتند، مگر در گوشه و کنار. در واقع و به طور رسمی و همه‌گیر، از اواسط قرن ششم هجری زبان فارسی در نوشتارها نمایان شد. سده ششم آغاز خط فارسی در ایران، و سده نهم و دهم هجری اوج تدوین کتب فارسی است. سده دوازدهم، با ورود چاپ و حروف چینی سربی به ایران، کاهش چشمگیری در خطاطی فارسی پدید آمد؛ حتی پس از آن، به مرور، خطاطی کتاب فقط به صورت تفتنی و تفریحی و تزیینی به کار رفته است (استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵). در همین دوران، گرفتاری‌هایی که بر سر کشورهای اسلامی همانند عثمانی و ایران به وجود آمد و پیشرفت‌های چشمگیر اروپاییان بسیاری را متوجه عقب‌ماندگی‌های مسلمانان نمود. به تبع آن، مسلمانان در فکر جبران این عقب‌افتادگی‌ها برآمدند. در این میان، توجه آن‌ها به سطح سواد مردم جلب شد. به این ترتیب، الفبای فارسی را علت بی‌سوادی مردم دانستند و راه پیشرفت را در باسوادنمودن مردم، از طریق تغییر الفبا، پیگیری کردند (استادی، ۱۳۹۱، ۲۳، ش ۱۳۴ و استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵).

در چنین فضای فکری-سیاسی، «مجله مکتب اسلام» تنها مجله اسلامی و فارسی کشور و حوزه علمیه قم بود و تنها نشریه دینی و علمی‌ای که جلوه امید را در دل اهل قلم برافروخت و پیوسته همگان را به خواندن و توزیع آن ترغیب می‌کرد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲). این نشریه در سال ۱۳۳۰ ش بنابر

پیشنهاد آیت الله سیدکاظم شریعتمداری و جمعی از علمای حوزه علمیه قم، از جمله آیت الله مکارم شیرازی، امام موسی صدر، علی دوانی و دیگران، تأسیس شد و اقدامات تبلیغی و اصلاحی خود را بدون سانسور از سال ۱۳۳۷ ش منتشر می‌کردند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که موضع نشریه مکتب اسلام در قبال اصلاح و تغییر خط فارسی چیست؟ در پاسخ باید ذکر کرد که موضع نشریه مکتب اسلام در عناوین و تیرهای مقالات درباره اصلاح و تغییر خط سوئیت طراحان تغییر خط را آشکار می‌کند. هرچند که ممکن است خط و تغییر خط به خودی خود هدف نباشد، اما نشریه مکتب اسلام آن را مقدمه‌ای می‌انگاشت برای رسیدن به اهداف دیگری که مقابله با اسلام و محو آن از سطح جامعه بود. لذا این مقاله درصدد است، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر عناوین مقالات و مطالب موجود در مجله مکتب اسلام، به تبیین دیدگاه‌های متعدد پیرامون موضوع تغییر خط فارسی در تاریخ معاصر ایران پردازد. در لابه‌لای این مبحث، به پیشینه و تغییر و تحولات خط فارسی در دوره معاصر نیز پرداخته شده است. در ذکر پیشینه پژوهش هم باید ذکر کرد که مقالات متعددی از جمله در نشریه مکتب اسلام، مجله یغما، سخن ماه و دیگر نشریات آمده است. به عنوان نمونه، مقاله‌ای از مجتبی مینویی تحت عنوان «اصلاح یا تغییر خط فارسی» به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا این اصلاح لازم و ضروری است؟ در پاسخ، این اصلاح را به ضرر اهل فرهنگ و ادب ایرانی معرفی می‌کند، اما به دیدگاه‌های ترقی خواهان و روشنفکران اشاره‌ای نمی‌کند. کاظم استادی در اثر «دانشنامه خط فارسی» به گردآوری مجموعه مقالات متعددی از نویسندگان موافق و مخالف اندیشه تغییر خط فارسی پرداخته است و در آن اطلاعاتی درباره تغییر خط از ابتدا در اسلام تا عصر معاصر در کشورهای اسلامی می‌دهد. اما، به شکل مبسوط، به اسناد و بازخوانی تحولات فرهنگی در این زمان اشاره‌ای نمی‌کند.

اندیشه تغییر و تحولات خط فارسی در اسناد تاریخ معاصر

طبق اسناد موجود، شاید آخوندزاده اولین کسی باشد که اقدام به ابداع خط جدید کرد. طرح اولیه ایده تغییر خط از سوی آخوندزاده، به علت آزمایش عملی دولت روسیه در تغییر خط به لاتین، پس از تصرف داغستان بود (آدمیت، ۱۳۴۹: ۷۵-۷۶). البته پیش از آخوندزاده، مسیو بارب، ناظم مدرسه السنه شرقیه وین، خط اسلامی را اختراع نمود. وی چند کتاب فارسی و عربی را به همان خط در وین منتشر کرد. همچنین منیف افندی، وزیر دولت عثمانی، در سال ۱۲۳۹ رساله‌ای درباره تغییر خط نوشت و دو سال

بعد خطابه‌ای درباره ضرورت اصلاح الفبا در جمعیت علمیه عثمانیه ایراد کرد که موجب آشنایی و ارتباط او با میرزا فتحعلی آخوندزاده شد (آدمیت، ۱۳۴۹: ۷۶-۷۵).

احتمالاً آخوندزاده پس از اطلاع از اینکه کسانی در عثمانی موافق تغییر خط هستند علاقه‌مند شد تا از طریق دولت عثمانی پیگیر طرح خط خود شود. وی رساله خود را به صدراعظم عثمانی، فؤاد پاشا، تقدیم کرد. صدراعظم عثمانی شخص او را به انجمن دانش یا «جمعیت علمیه عثمانیه» راهنمایی کرد. اما آخوندزاده بدون گرفتن نتیجه از استانبول به قفقاز بازگشت. و تلاش دوباره او نیز در دربار عثمانی بی ثمر ماند (آخوندزاده، ۱۲۸۵: ۱۳۹).

در سال ۱۲۴۷، مقاله‌ای در خصوص عدم قابلیت الفبای اسلامی به نشر علوم، در روزنامه غولوس چاپ پترزبورگ، منتشر شد (استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵). در همین سال، آخوندزاده رساله خط اختراعی خود را، با دو رساله دیگر، نزد وزیر علوم ناصرالدین شاه اعتضادالسلطنه فرستاد، که نتیجه‌ای در بر نداشت. در سال ۱۲۴۸، دیگر آخوندزاده تنها نبود و میرزا ملکم‌خان نیز به جرگه طرفداران تغییر خط فارسی پیوسته بود. در این سال، مقالاتی پیرامون تغییر خط در روزنامه‌های ترقی و حریت و مقالات نامق کمال در جواب میرزا ملکم‌خان چاپ شد (استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵). در این دوره، گروهی از شرقیان در این راه به کوشش برخاستند و در نارسایی خط کنونی ملل اسلامی رسالاتی نوشتند و بعضی از آن‌ها، خود، الفبایی نیز اختراع کردند. آخوندزاده، پس از این آزمایش‌ها و شکست‌های پیاپی، سرانجام از اندیشه اصلاح خط منصرف شد و خط جدید ملل اسلامی را تنظیم کرد. اما عمر او کفاف نداد، و در سال ۱۲۵۶ ش در تفریس درگذشت (استادی، ۱۳۹۰، ش ۱۵). آنچه مسلم است این است که تمامی فعالان اولیه در موضوع تغییر خط، همانند آخوندزاده، در خارج از ایران به سر می‌بردند. اما مشهورترین فعالان هم‌زمان میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در لندن و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در اروپا بودند که مانند آخوندزاده اعتقاد داشتند وضع خطوط ملل اسلام زیاد از حد معیوب است (بی‌نا، به نقل از مقدمه کتاب روشنایی، ۱۳۰۳).

ملکم‌خان، همان‌گونه که خود در مقدمه گلستان اشاره کرده است، ۲۵ سال در این راه زحمت کشید، ولی الفبای جدید او، با اینکه نکته‌ای بسیار مهم در بر داشت که خط آخوندزاده از آن بی بهره بود، اما با این حال به دلیل همان اشکالات و موانعی که برای آخوندزاده هم وجود داشت و نیز به علت اینکه نوشتن آن با حروف سربی آسان اما نگارش آن با دست مشکل بود رواج نیافت (ناظم‌الدوله، ۱۳۰۳: ۱۱۵). میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی، کارپرداز حاجی ترخان و فرستاده ایران در پاریس، نیز از پیروان

۱. خط ملکم جدانویس بود که آخوندزاده نیز به همین دلیل خط او را بر خط خود برتری داد.

جدی این فکر جدید بود. وی در سال ۱۳۰۳ ق رساله‌ای با عنوان «رساله در وجوب اصلاح خط اسلام» نوشت و در استامبول چاپ کرد (استادی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). به‌جز این سه تن که تلاش بسیاری در راه اصلاح خط نمودند، افراد دیگری نیز در آن دوران پیگیر مسئله تغییر خط بودند که اکثراً در خارج از ایران به سر می‌بردند، از جمله عبدالرحیم طالبوف، نویسنده مشهور آن دوران و میرزا حسن، منشی سفارت ایران در وین (آرین‌پور، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳۸). برای تکمیل این بحث، از افراد دیگری که کمابیش در اصلاح یا تغییر الفبای ملل اسلامی کوشیده‌اند به اختصار نام می‌بریم:

پرنس میرزا رضاخان ارفع‌الدوله^۱، رضا خان افشاربکشلو^۲، میرزا حسین خان^۳، ادیب‌الممالک فراهانی^۴، میرزا نجفقلی خان^۵، ملا احمد حسین‌زاده شیخ‌الاسلام قفقاز^۶، اعضای انجمن دانش در بمبئی^۷، میرزا کاظم خان آلان‌براغوشی^۸، محمدآقا شاه تختینسکی^۹، میرزا علی‌محمدخان اوپسی^{۱۰} و افرادی دیگر که بدون اطلاع از تلاش دیگران، در طی ۲۵ سال، ۲۰ رساله تألیف کردند (آرین‌پور، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳۸). علاوه بر کسانی که مستقیماً و مشروحاً درباره الفبا اظهارنظر کرده‌اند، بیشتر دانشمندان و نویسندگانی که نوشته‌های آنان در پیدایش اندیشه آزادی و مشروطیت مؤثر بوده است به معایب و مفسد خط فارسی اشاره و از اندیشه اصلاح آن حمایت کرده‌اند (ذکاء، ۱۳۲۹: ۱۲۰). در همین دوران، ماشین حروف‌چینی «مونوتایپ» و دیگر دستگاه‌های حروف‌چینی دستی اختراع شدند که همین پیشرفت‌های صنعتی چاپ در غرب بحث تغییر خط را در کشورهای اسلامی داغ‌تر می‌نمود. آنچه مسلم است این است که، در کشور عثمانی، بیشترین کتاب‌ها و مقالات پیرامون تغییر خط منتشر شد. این موضوع به دیگر کشورهای همسایه انتقال یافت. پس از جنگ جهانی اول، باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی نوشتند که اولین آن‌ها مقالاتی بود در سال ۱۳۰۴ توسط حسین کاظم‌زاده ایرانشهر به نام «الفبا به ترتیب راه نو»، و «لزوم اصلاح خط و زبان» از ابوالقاسم اعتصام‌زاده و مقالات دیگر (آرین‌پور، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳۸)

۱. کنسول، سفیر در تفلیس، استامبول و پترزبورگ که رساله‌ای به نام رساله رشدیّه در استانبول چاپ کرده است.
۲. نایب یکم و سرترجمان سفارت ایران در استامبول، چاپ مقالات در استامبول.
۳. دبیر یکم وزارت خارجه در ترابوزان.
۴. چاپ مقالات در باکو.
۵. سرکاتب اول و ترجمان کبرای دولت ایران، چاپ مقالات در استامبول.
۶. در سال ۱۲۹۷ ق رساله‌ای با عنوان معلّم الاطفال به چاپ رسانده است. ر.ک. به کتاب‌شناسی خط، کاظم استادی و ...
۷. در تاریخ ۱۳۰۸ ق الفبایی اختراع کردند و رساله‌ای با عنوان خط دانش انسانیت چاپ نمودند.
۸. متخلص به مطلع، که الفبایی اختراع کرد و دفتری در این باب نوشته است.
۹. صاحب روزنامه یومیة مشهور شرق روس در تفلیس، که رساله‌ای در سال ۱۳۲۳ ق راجع به تبدیل الفبا ترتیب داده و در روزنامه خود به پیشرفت آن می‌کوشیده است.
۱۰. مأمور مالیه در سفارت ایران در استامبول. در سال ۱۳۳۱ ق رساله‌ای با عنوان راه نو در استانبول منتشر کرده است.

هم‌زمان با جریانات نهایی تغییر خط در آذربایجان و ترکیه و برخی نقاط دیگر، در ایران نیز مقالاتی پیرامون تغییر خط به چاپ رسید که برخی از نویسندگان آن‌ها عبارت‌اند از ابراهیم پورداود، غلامحسین ابتهاج. در سال ۱۳۰۷ خط در ترکیه و قفقاز تغییر کرد. این امر موجب گردید تقی‌زاده در سال ۱۳۴۷ ق رساله‌ای به نام مقدمه‌تعلیم عمومی با موضوع تغییر الفبا به نگارش درآورد و دلایل بسیاری در لزوم آن آورد؛ او همچنین خطی به جای الفبای کنونی بر اساس الفبای لاتین پیشنهاد کرد.^۱ تا اینکه در سال ۱۳۱۳، رضاشاه پس از بازگشت از ترکیه به ایران فرمان داد که مقدمات اصلاح الفبا را در ایران فراهم کنند و از اقدامات دیگران و تجاربی که در این زمینه به دست آورده‌اند اطلاعات درستی گرد آورند. در همین زمان، موضوع تغییر خط در ایران داغ شد و نویسندگان بیشتری به این موضوع پرداختند^۲، که از آن میان میرزا علی اصغرخان طالقانی، سعید نفیسی، رشید یاسمی، سیدحسن تقی‌زاده، مصطفی فاتح، ذبیح‌بهرز، موسی نثری و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد. غالب این کسان و کسانی که بعد از آنان در این باره بحث کرده‌اند، جز عده معدودی مانند کاظم ایرانشهر و احمد کسروی، اصلاح خط کنونی را کوششی بی‌فایده می‌دانستند و همگی اعتقاد داشتند که الفبای آینده زبان فارسی جز الفبای لاتینی نمی‌تواند باشد، زیرا حروف لاتین که اکنون در زبان‌های اروپایی به کار می‌رود مناسب‌ترین اشکال خط، و به لحاظ خواندن و نوشتن کامل‌ترین همه خط‌ها است. سعید نفیسی از هواداران سرسخت تغییر الفبا بود (ذکاء، ۱۳۲۹: ۱۴۷). وی تا پایان عمر به عقیده خود وفادار ماند. رشید یاسمی، علاوه بر هواداری جدی از تغییر الفبا، اشعاری دارد که در آن‌ها عیوب خط فارسی را برشمرده است (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

سال ۱۳۳۸ سالِ دعوای تغییر خط بین موافقان و مخالفان است، که منجر به انتشار حداقل هشتاد مقاله پیرامون مشکلات خط فارسی در نشریه مکتب اسلام شد.^۳ در این سال، انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از سوی جمعی از صاحب‌نظران^۴، به ریاست سعید نفیسی، در تهران تشکیل یافت و الفبایی نیز پیشنهاد شد. نفیسی در روزنامه‌ها و نشریات و رادیو

۱. ولی بعدها از عقیده خود عدول نمود و در ضمن مقاله‌ای نوشت: این جانب در بیست سال قبل تمایلی به قبول خط لاتینی برای فارسی داشته و رساله‌ای به اسم مقدمه‌تعلیم عمومی در آن باب نوشتم. ولی بعد، به واسطه معایبی که در این کار دیدم و اندیشه خطری که برای مایه ادبی و زبان خود پیدا کردم، از آن عقیده عدول نمودم (مجله یادگار، سال چهارم، شماره ۶: ۳۹ (حاشیه)).

۲. ر.ک. به مقاله «فعالان تغییر خط»، کاظم استادی.

۳. از مؤلفان: آسیم، محمد / اختری / اسفندیاری، داریوش / اعلم، هوشنگ / اکبری، خسرو / امینیان / ابیرامی / پور داوود، ابراهیم / تقوی، صادق / جمال زاده، محمد علی / جهانسوز، رضا / خیامپور، عبدالرسول / داراب / داودی / دولت آبادی، عزیز / ذکاء، یحیی / رحب‌نیا، مسعود / رضاعی، حسین / زرین کوب، عبدالحسین / سیاسی، علی اکبر / شاه‌رخ / شهابی، علی‌اکبر / شیفته، نصرالله / صفا، ذبیح‌الله / صورتگر، لطفعلی / طاهباز / عادل / عامری، جواد / عجمی / عزیزی / فرخواه / کاشفی / کاویانی، رضا / کشاورز / کمال، احمد / کیا، محمد صادق / مروستی / مظاهری / معین، محمد / مقدم، محمد / مهبد / نراقی / نظری / نفیسی، سعید /

۴. از جمله دکتر نصرالله شیفته، مسعود رجب‌نیا، ابراهیم گرانفر، منوچهر امیری، یدالله رویایی، یحیی ذکا، سهیل آذری و چند تن دیگر.

توضیحاتی درباره نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن داد (آرین پور، ۱۳۸۷: ۲۱۹). این انجمن اصلاح خط فارسی را مهم ترین اصلاح اجتماعی در ایران می دانست، ولی معتقد بود که این اقدام را نباید با قوه قهریه عملی کرد، زیرا در آن صورت واکنش مردم شدیدتر می شود و نتیجه مطلوب به دست نمی آید. بلکه باید فکر مردم را با منطق قوی و دلایل محکم حاضر کرد. در همین سال، به دنبال جنجالی که بر سر موضوع تغییر خط در ایران برپا شد، نقل قولهایی از مخالفت آیت الله العظمی بروجردی شنیده شد.^۱ که احتمالاً به همین دلیل، پس از این تاریخ، دوباره موضوع تغییر خط رو به افول رفت. یکی از این نقل قولها در اسناد ساواک، به نقل از حجت الاسلام فلسفی از آیت الله بروجردی، آمده است (فلسفی، بی تا: ۱۱۲).

 مخت وزیر سازمان اطلاعات و ارتباطات کشور س. ۱۰۰۰۰۰ گزارش اطلاعات داخلی	
شماره: ۳۳۳۳۳۳۳۳ تاریخ حادثه: تاریخ وصول خبر: ۳۸/۸/۱۸ تاریخ گزارش: ۳۸/۸/۱۸	موضوع: تفسیر خط و افکار عمومی محل: تهران علق بشماره: منبع خبر: مأموریت تقویم: ۲ - ب
محرمانه	
<p>محمد تقی فلسفی را خط معروف میکتی چون کلمه گنبد و آثارند بنی از صد را سلام تا گنبد با خط عربی و فارسی تمایز نوشته شده چنانچه بخوانند تفسیر خط را در ایران عملی سازند با مخالفت شد بد مراجع مذ همی روبرو خواهند شد .</p> <p>فلسفی گفته موضوع تفسیر احتیالی خط با اطلاع آیت اله بروجردی نیز رسیده و ایشان هرگز حاضر نیستند در حوزه های علمی خط لاتین جا نشین خط فارسی که تنها به کامل بخط عربی وارد گردند و در مواقع خود روحانین اقدامات شد بد و موثری علیه تهیه است جدید تفسیر خط شروع خواهند نمود .</p>	
نشانی:	
تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۱۹	
در این باره به وزیرین در این باره به وزیرین در این باره به وزیرین	
۳۸/۸/۲۳	

معرفی نشریه مکتب اسلام

در فضای اختناق نظام پیشین که قلم آزاداندیشان و نویسندگان مسلمان کاملاً محدود شده بود و مجلات و روزنامه‌ها در بست در اختیار رژیم فاسد بود،^۱ مطبوعات کشور جز ترویج غرب‌زدگی و نشر افکار وارداتی رسالت دیگری نداشتند. انتشار یک مجله علمی-اسلامی نور امید را در دل اهل قلم برافروخت، همگی را بر گرداگرد این نشریه جمع کرد و به خواندن و پخش آن ترغیب نمود (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲).

در دهه ۱۳۳۰، گروهی از طلاب حوزه علمیه قم به پیشنهاد آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری اقدام به تأسیس مجله مکتب اسلام کردند. سید مرتضی جزایری در کنار ناصر مکارم شیرازی، امام موسی صدر، علی دوانی، مجدالدین شیرازی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمدجعفر سبحانی مؤسسان این مجله بودند. نخستین شماره مجله مکتب اسلام، به‌عنوان ارگان حوزه علمیه قم (که بازگوکننده افکار و اندیشه‌های مراجع وقت بالأخص در نخستین سال‌های تأسیس و بیانگر اندیشه‌های اصلاحی و تبلیغی آیت‌الله بروجردی بود) در آبان سال ۱۳۳۷ منتشر گشت (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲).

یک نفر از علما و مراجع بزرگ قم [آیت‌الله شریعتمداری] هم توانست نظر موافق مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی را جلب کند. البته آقای بروجردی گفته بودند که نظرشان را بعد از انتشار چند شماره اعلام می‌کنند. لذا بعد از اینکه شش شماره از مجله منتشر شد، مرحوم دوانی را که با ایشان ارتباط نزدیک داشت احضار کرده و خیلی تشویق و ترغیب کرده بودند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲). بعد از اعلام موافقت آیت‌الله بروجردی، مجله مکتب اسلام جا افتاد و اعضای آن با اشتیاق بیشتری به کار خود ادامه دادند.^۲ قبل از تأسیس و انتشار ماهنامه «درس‌هایی از مکتب اسلام» که بعدها به نام «مکتب اسلام» معروف شد، از سوی جمعی از علمای حوزه علمیه قم و با پشتیبانی مادی و معنوی مرجعیت شیعه در قم، چندین نشریه اعم از مجله و هفته‌نامه منتشر می‌گردید که البته هیچ‌کدام از آن‌ها وابسته رسمی به حوزه نبودند. یعنی اصولاً، علی‌رغم اینکه نویسندگان بعضی از آن‌ها از فضلالی حوزه بودند، ولی آن نشریات ارگان حوزه علمیه

۱. برخلاف تمام قوانین مربوط به مطبوعات آن دوره، مسئله سانسور قبل از چاپ دامن روزنامه‌ها را نیز شدیداً گرفته بود، و مأموران سانسور و ساواک در دفتر روزنامه‌ها و چاپخانه‌ها پرسه می‌زدند، و هر تیترو حتی هر کلمه‌ای را مخالف میل خود می‌دیدند همان‌جا آن را حذف می‌کردند و در این رابطه وسوسه عجیبی هم داشتند و گاهی منجر به درگیری شدید میان آن‌ها و ناشران می‌شد که پیدا است برنده، آن‌ها بودند. در این میان، مجله «مکتب اسلام» وضع فوق‌العاده استثنایی داشت؛ یعنی شاید تنها نشریه‌ای بود که بدون سانسور چاپ می‌شد و می‌توانست در آن جو خفقان‌بار، مطالبی را که روشنگر بود پخش کند. بارها کوشیدند که ما را به سانسور قبل از چاپ مجبور کنند، ولی ما صریحاً اعلام داشتیم که به چنین امری تن در نخواهیم داد و مجله را تعطیل می‌کنیم، اما چون می‌دیدند تعطیلی تنها مجله اسلامی کشور و زبان حوزه علمیه قم سر و صدای زیادی بپا خواهد کرد و خشم مراجع بزرگ دینی را بر می‌انگیزد، از تعطیلی آن صرف‌نظر می‌کردند.

۲. رمز ماندگاری مجله مکتب اسلام اخلاص دست‌اندرکاران است، مصاحبه آیت‌الله سبحانی با خبرنگار حوزه.

قم به شمار نمی‌آمدند. از جمله آن‌ها ماهنامه «همایون» بود که در مهرماه ۱۳۱۳ منتشر شد، و نیز «راه سلامت» که نشریه‌ای فرهنگی-علمی بود و در تیرماه ۱۳۱۶ شروع به انتشار نمود.

علاوه بر این‌ها، هفته‌نامه‌های «استوار» و «سرچشمه» هم مدت مدیدی، به‌عنوان نشریات هفتگی و رسمی شهر «قم»، به‌طور مرتب و منظم منتشر می‌شدند و نویسندگان آن دو نیز گاهی از فضایی حوزه علمیه بودند. از دیگر نشریاتی که قبل از مجله مکتب اسلام در قم به سال ۱۳۳۱ منتشر می‌شد مجله «مجموعه حکمت» بود که نخست به‌طور «دو هفتگی» و سپس به‌شکل «ماهانه» منتشر می‌شد. نویسندگان اصلی این مجموعه در واقع فضایی معروف حوزه علمیه قم بودند.^۱

مجله مکتب اسلام به مدت یک سال با حضور هیئت مؤسس اولیه به انتشار خود ادامه داد. پس از یک سال انتشار، تیراژ این نشریه به حدود ۱۲۰ هزار نسخه رسید و از شهرت زیادی نزد مراکز علمی و دینی ایران برخوردار شد. در آن زمان، اکثر روحانیون به‌طور داوطلبانه و خودجوش مروج این مجله بودند، چراکه تنها مجله متعلق به حوزه به حساب می‌آمد و عملاً زبان گویای حوزه علمیه بود. روحانیان و مبلغان هر جا می‌رفتند سعی می‌کردند این مجله را رواج دهند و برای آن مشترک جذب می‌کردند.^۲ در سال‌های نخست این مجله، سنگین‌ترین مقالات از آن مرحوم علامه طباطبایی بود که ضمن مقالاتش به معرفی اسلام، برخورد اسلام با نیازمندی‌های روز و مسائل مختلف اجتماعی و جواب به شبهات مطرح‌شده در مطبوعات می‌پرداخت. سری مقالات ایشان تحت عنوان «اسلام به احتیاجات واقعی هر عصری پاسخ می‌دهد» و «مقررات ثابت و متغیر در اسلام»، در سال دوم این مجله، تلاشی برای طرح این نظریه بود که اسلام می‌تواند در جهان معاصر مبنای زندگی جدیدی قرار گیرد. موضوع زن در اسلام نیز یکی از مسائلی بود که در مکتب اسلام مورد توجه قرار داشته و به مناسبت‌های مختلف از حقوق زن، آزادی زن، انتخابات و زن، و مسائل دیگر در آن سخن به میان آمده است. پس از نسل نخست، و اندک زمانی پس از استعفای آقایان موسی صدر، محمد واعظزاده، سیدمرتضی جزائری و مجدالدین محلاتی، مجله در اختیار آقایان آیت‌الله مکارم و آیت‌الله سبحانی قرار گرفت. طبعاً آنان نسل جدیدی از شاگردان خود را تشویق به نگارش مقاله برای مجله کردند (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲).

استقبال از این ماهنامه طی سال‌های متمادی، به‌دلیل منحصر به فرد بودن آن، کم‌مانند بود، به‌طوری که اندکی پس از انتشار، تیراژ آن از ۳ هزار به ۸۰ هزار و مدتی بعد تا ۱۲۰ هزار رسید، که شاید در میان مطبوعات از نوع خود بی‌مانند باشد. در واقع، کسانی که دوست داشتند اسلام را از حوزه فراگیرند نشریه مکتب اسلام را

۱. مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خیر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی.

۲. مجله مکتب اسلام زبان گویای حوزه، گفت‌وگوی مرکز خیر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی.

راه ارتباطی خود با حوزه تلقی می‌کردند.^۱ هرچند که صاحب‌امتیازی مجله در آن شرایط کار مطلوبی به شمار نمی‌آمد و درواقع نوعی «فداکاری» بود، سرانجام آیت‌الله مکارم از بین همه اعضا این مسئولیت را پذیرفت و امتیاز مجله «مکتب اسلام»، پس از پیگیری‌های لازم، به نام ایشان صادر شد.^۲

الف) نویسندگان، یاران و مؤسسان

مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» با همکاری جمعی از علما و با توجه به وجهه و معروفیت نویسندگان و گردانندگان آن با موفقیت همراه شد. هیئت مالی مجله هم، که عمدتاً آذربایجانی و از یاران یا مقلدان ایشان بودند، پشتوانه مالی مجله محسوب می‌شدند که از آن جمله حاج مجید پرکار، حاج اسماعیل سیگاری، حاج فرج نعمت‌زاده، حاج موسی ابریشمچی، حاج سید مصطفی عالی‌نسب، حاج ابوالفضل احمدی، حاج کریم انصارین، حاج حسین کاغذیان، حاج بیوک جورابچی، حاج عباسعلی خامه‌چی، حاج محمد کلاهی و ... درواقع مؤسسان اصلی مکتب اسلام بودند^۳ که هدف اصلی آن‌ها فقط نشر یک مجله نبود، بلکه برنامه‌های فرهنگی وسیعی داشتند که قرار بود تحت عنوان این سازمان یا مؤسسه - مکتب اسلام- انجام پذیرد. البته اساتید و دانشمندان دیگری هم به تدریج، به‌عنوان افراد و شخصیت‌های مستقل غیروابسته به سازمان مکتب اسلام، مقالاتی در مجله می‌نوشتند از جمله: علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، سیدموسی شبیری زنجان، محمد موحدی لنکرانی، علی احمدی میانجی، احمد آذری قمی، سیدمهدی روحانی، حسین شب‌زنده‌دار، شهاب‌الدین اشراقی، محمدجواد باهنر، عبدالمجید رشیدپور، سیدغلامرضا سعیدی و ... این بزرگان عضو هیئت تحریریه نبودند، اما با مجله همکاری داشتند و گهگاهی مقالاتی می‌نوشتند.^۴

۱. یادداشت حجت‌السلام جعفریان پیرامون مجله مکتب اسلام.

۲. به‌دنبال احضار ایشان به «فرمانداری» و اخطار به اینکه مجله را متوقف کنند، امام موسی صدر با داشتن مدرک لیسانس امتیاز مجله دیگری به نام «از مکتب اسلام» را دریافت نمود تا اگر امتیاز اول مشکلی درازمدت پیدا کرد، از امتیاز دوم استفاده شود... که با مهاجرت ایشان به لبنان، از این امتیاز استفاده نشد و ممنوعیت انتشار «درس‌هایی از مکتب اسلام» هم با اخطار آیت‌الله بروجردی برطرف گردید و ظاهراً فرمانداری قم کتباً عذرخواهی نمود! و مجله به انتشار خود ادامه داد. (مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خبر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی.)

۳. برای تأمین هزینه‌های نخستین مجله، هیئت از تجار نیک‌کار و خوش‌نام مقیم تهران تشکیل گردید و تحت عنوان «هیئت مالی» به تأمین مخارج اولیه پرداخت. ولی طولی نکشید که مجله به‌اصطلاح «خودکفا» شد و تمامی هزینه‌های آن از طریق وجه اشتراک و پرداخت‌های مردمی تأمین گردید. و البته مجله مکتب اسلام هزینه سنگینی نداشت و امور چاپ و کاغذ و پست و یا حقوق هیئت تحریریه و کارمندان دفتری آن در سطح بسیار پایینی بود که تأمین آن نیازی به کمک‌های دیگران نداشت و همان وجوه اشتراک برای اداره امور کافی بود. حتی از همین راه اشتراک، دفتر مجله در قم توسعه یافت و تیراژ آن هم از صد هزار نسخه گذشت. و البته مجله برای کسب درآمد بیشتر هیچ‌وقت حاضر نشد حتی یک آگهی تجاری غیردولتی هم چاپ کند. (مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خبر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی.)

۴. مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خبر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی.

نشر مجله یک اقدام جمعی بود و به «فرد» خاصی وابسته نبود؛ همچنان به راه خود ادامه داد و از سال سوم، گروهی از فضلا به عنوان «هیئت تحریریه فرعی» در کنار «هیئت تحریریه اصلی»، که در آن ایام فقط چهار نفر از آنان حضور داشتند - ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، حسین نوری، علی دوانی -، به یاری مجله شتافتند و فارغ‌البال‌تر از دوستان دیگر، به نوشتن مقالات جدید در زمینه‌های مختلف پرداختند. اعضای این گروه عبارت بودند از: عباسعلی عمید زنجانی، حسین حقانی زنجانی، زین‌العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، رضا گل‌سرخ کاشانی، سید هادی خسروشاهی (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۱، ش ۱۲). پس از چند سال، برای تکمیل کادر مجله و اعضای اصلی و فرعی مجله، دوستان و فضلاء دیگری به عضویت تحریریه مجله درآمدند که عبارت بودند از آقایان: داود الهامی، مهدی پیشوایی، عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، کامل خیرخواه، هادی دوست محمدی، علی اکبر حسینی و شهید سید محمد کاظم دانش. این افراد جزء «نسل سوم» هیئت علمی یا تحریریه مجله بودند.^۱ در واقع، مکتب اسلام توانست جایگاه خاصی در میان مطبوعات و نشریات آن دوران پیدا کند، به‌ویژه برخلاف اغلب مطبوعات تهران و شهرستان‌ها که به‌نحوی در جناح حاکمیت قرار داشتند و از لحاظ محتوا هم متأسفانه فاقد اصالت و معنویت بودند. به همین دلیل، این نشریات در هیچ خانواده مذهبی جایی نداشتند و تنها مکتب اسلام بود که با بیش از ۱۰۰ هزار تیراژ توانست در میان خانواده‌ها راه باز کند و جایگاه ممتازی به دست آورد.^۲

ب) موضوع «مکتب اسلام» درباره اصلاح و تغییر خط

با مراجعه به محتوای مقالات موجود در نشریه مکتب اسلام، از مطالب و عناوین مقالات، می‌توان موضوع مکتب اسلام را در سوءنیت طراحان تغییر خط فارسی مشاهده کرد.

نغمه‌های استعمار! ... (مکتب اسلام، دی ۱۳۳۸، سال دوم، ش ۱)

نقشه‌های استعمار (مکتب اسلام، ۱۳۵۷، سال دوم، سال ۱۸، ش ۱۲)

باز هم پیرامون تغییر خط (مکتب اسلام، مرداد ۱۳۳۹، سال دوم، ش ۷)

۱. مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خبر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی.
۲. مجله مکتب اسلام به روایت خسروشاهی، گفت‌وگوی مرکز خبر حوزه با حجت‌الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی.

توطئه تغییر خط! (مکتب اسلام، دی ۱۳۴۴، سال هفتم، ش ۴)
 خواب‌های پریشانی که درباره تغییر خط دیده‌اند (مکتب اسلام، اسفند ۱۳۵۱، سال ۱۴، ش ۲)
 این نوسازی نیست ویرانگری است (مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، خرداد ۱۳۵۱، ش ۵)
 هرچند که ممکن است خط و یا تغییر خط، به خودی خود، هدف نباشد، اما مکتب اسلام آن را مقدمه‌ای
 برای رسیدن به اهداف دیگری که مقابله با اسلام بود می‌انگاشت.

بررسی دوره زمانی مقالات تغییر خط در مکتب اسلام

تمامی پانزده مطلبی که پیرامون مخالفت با بحث تغییر خط فارسی می‌باشد پس از تأسیس مجله،
 هم‌زمان با اوج مباحث تغییر خط در سال ۱۳۳۸ تا پیروزی انقلاب اسلامی است.

دی ۱۳۳۸، سال دوم، شماره ۱	۱
مرداد ۱۳۳۹، سال دوم، شماره ۷	۲
دی ۱۳۴۴، سال هفتم، شماره ۳	۳
بهمن ۱۳۴۴، سال هفتم، شماره ۴	۴
مهر ۱۳۴۸، سال دهم، شماره ۱۰	۵
آذر ۱۳۴۹، سال یازدهم، شماره ۱۲	۶
دی ۱۳۵۰، سال دوازدهم، شماره ۱۲	۷
خرداد ۱۳۵۱، سال سیزدهم، شماره ۵	۸
مهر ۱۳۵۱، سال سیزدهم، شماره ۹	۹
آذر ۱۳۵۱، سال سیزدهم، شماره ۱۱	۱۰
دی ۱۳۵۱، سال سیزدهم، شماره ۱۲	۱۱
اسفند ۱۳۵۱، سال چهاردهم، شماره ۲	۱۲
اردیبهشت ۱۳۵۲، سال چهاردهم، شماره ۴	۱۳
خرداد ۱۳۵۵، سال هفدهم، شماره ۶	۱۴
اسفند ۱۳۵۷، سال هجدهم، شماره ۱۲	۱۵

آنچه مسلم است موضوع تغییر خط از همان‌هاست! تصدیق دارید ما دشمنانی داریم، خیالاتی درباره ما دارند، منافعی در مملکت ما برای آن‌ها متصور است. این را هم می‌دانیم که برای نفوذ در یک جمعیت

راهی بهتر از نفوذ فرهنگی نیست. نفوذ فرهنگی پایه نفوذ فکری ریشه دار است. آیا تغییر خط یک ملت، و آن را به صورت خط خود درآوردن اولین و اساسی ترین قدم برای نفوذ در فرهنگ آن جمعیت نیست؟! آیا افرادی که این موضوع را پیشنهاد می کنند می توان گفت نظر خدمت به ما دارند؟ ما یک ملت زنده ایم. دیگران ممکن است ما را مرده فرض کنند، سوابق تاریخی درخشانی داریم، مفاخر داشته ایم، دانشمندان و بزرگان و ادباء و شعری داشته ایم که به آثار آن ها افتخار می کنیم و همان آثار است که غنی ترین منابع علمی و فرهنگی ما را تشکیل می دهد. کتابخانه های ما مملو از آثار آن هاست و حتی بسیاری از آن ها به خط خودشان موجود و مایه مباهات ماست. امروز غالب افراد به آسانی با آن ها تماس فکری دارند. با تغییر خط، این همه آثار برجسته چه خواهد شد؟ آیا همان طور که یکی از بازیگران صحنه تغییر خط می گوید ما فقط ۲۰۰ اثر نفیس از گذشتگان خود به ارث برده ایم که آن را هم ممکن است با خط دیگری منتشر ساخت؟ آیا این حرف با اینکه می دانیم ۲۰۰ کتاب نمی تواند فهرست آثار گران بهای آن ها را بیان کند لجن مال کردن یک ملت سابقه دار و آبرو و حیثیت آن را بر باد دادن نیست؟ به قول یکی از نویسندگان دانشمند، «خط امروز فارسی خط ارتباط آینده و گذشته تاریخ ماست. کدام عاقل اجازه می دهد رابطه گذشته و آینده تاریخ کشوری به دست خود آن ها قطع شود» (مکتب اسلام، ۱۳۳۸، سال دوم، ش ۱).

زمزمه تغییر خط فارسی

- این انگلیسی ها را تماشا کنید

راستی عجیب است انگلستان که یکی از ممالک سابقه دار است هنوز حاضر نشده واحد وزن بین المللی یعنی «کیلو» را بپذیرد و هنوز همان «پوند» خودشان را به کار می برند. هنوز حاضر نشده اند واحد «متر» را که در تمام دنیا واحد طول شناخته شده به جای «یارد» به کار برند.

با اینکه این ها در چنین موضوع پیش پا افتاده ای آن چنان پافشاری به خرج می دهند، عاقلانه است ما بزرگترین مظهر ملیت خود را از دست بدهیم؟

افرادی که آشنا هستند می دانند در طرز نوشتن انگلیسی نواقص فاحشی است که باعث دردسر عموم کسانی است که می خواهند این زبان را فرا گیرند. با اینکه این زبان امروز یک زبان بین المللی محسوب می شود، باز حاضر نیستند این همه نواقص فاحش را اصلاح کنند، چرا؟ چون به آثار و سنن خود علاقه مندند و در این موضوع در دنیا ضرب المثل می باشند.

- طرفداران تغییر خط چه می گویند؟

می‌گویند: اگر خط ما به صورت لاتین درآید، خارجی‌ها برای فراگرفتن زبان ما بیشتر علاقه نشان خواهند داد و در نتیجه، به ما نزدیک‌تر می‌شوند!

آخر در این مدتی که به ما نزدیک شده‌اند چه خیری از آن‌ها دیده‌ایم که نزدیک‌تر شویم؟ اگر راستی آن‌ها مردم خیلی خوبی هستند، همه چیزمان را در اختیار آن‌ها بگذاریم و از تمام حیثیات خود صرف نظر کنیم و راحت شویم.

می‌گویند: خط فعلی بیش از هزار سال نیست که در کشور ما رایج شده. بنابراین یک خط بیگانه است و نباید اصراری برای حفظ آن داشت!

راستی حیرت‌آور است که ما آثار برجسته سلسله صفوی را که بیش از ۳۰۰ سال از عمر آن‌ها نمی‌گذرد به‌عنوان آثار مهم باستانی خود حفظ کرده‌ایم و هرساله مبلغ زیادی از کیسه این ملت صرف نگاهداری آن‌ها می‌شود و هر بیگانه‌ای که به خاک ما قدم می‌گذارد آن‌ها را به‌عنوان مفاخر خود به رخ آن‌ها می‌کشیم. چطور شد در آنجا زمان به حساب نیامد؟

اگر خط ما، با اینکه یادگار هزارساله است و اغلب یا تمام آثار بزرگان ما به آن نوشته شده است، خط ملی و اصیل نیست، پس لباس ما، رژیم اجتماعی ما، مفاخر ما و... هیچ‌کدام اصیل نیستند. اصلاً بفرمایید بینیم کدام ملت را سراغ دارید که در تمام طول تاریخ همیشه زبان و خط و آداب و رسوم خود را به یک صورت حفظ کرده است؟

مگر همین‌هایی که امروز با حروف لاتین می‌نویسند همیشه خطشان همین بوده است؟ مگر عرب‌ها که این همه برای حفظ آثار و سنن خود می‌کوشند خطشان خط کوفی نبود که طی همین حدود یک‌هزار سال تغییر کرد؟ بنابراین خوب است هیچ‌کس نسبت به خط و زبان خود اظهار علاقه نکند. آخر این چه منطقی است؟

می‌گویند: خط فارسی امروز بعضی از موضوعات خلاف قاعده دارد.

بسیار خوب، بفرمایید اصلاحش کنید اگر غرض و مرضی در کار نیست.

می‌گویند: لاتین را تندتر می‌توان نوشت!

خواهش می‌کنیم کمی آهسته‌تر بنویسید. خلاصه با این بهانه‌ها نمی‌توان تاریخ و فرهنگ یک ملت را از بین برد. با توجه به این حقایق تاریخی، اگر ما زمزمه تغییر خط فارسی را «یک نغمه استعماری» نامیدیم، گزاف نگفته‌ایم و تعجب‌آور اینکه، در رأس انجمن منفور طرفداران تغییر خط، فردی قرار دارد که از نزدیک‌ترین

افراد به «انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی» است! این نکته برای ما پرمعنی است. حال ما اصراری نداریم این جنبش مذبح استعماری را تعیین کنیم.

نتیجه گیری

نتیجه اینکه، موضع نشریه مکتب اسلام در عناوین و تیترهای مقالات درباره اصلاح و تغییر خط سوءنیت طراحان تغییر خط را آشکار می کند. هرچند که ممکن است خط و تغییر خط به خودی خود هدف نباشد، اما نشریه مکتب اسلام آن را مقدمه ای می انگاشت برای رسیدن به اهداف دیگری که مقابله با اسلام و محو آن از سطح جامعه بود. از همه گذشته، خط فارسی امروز نه تنها یک خط ملی است، بلکه یک خط رسمی اسلامی محسوب می شود. لذا بیگانگان قصد داشتند این رشته ارتباط را قطع کرده و ما را یک عضو جدا از پیکر جامعه مسلمانان قرار دهند. نقشه خطرناکی با عنوان «قطع رابطه مسلمانان ایران از سایر مسلمین جهان» ترسیم شده بود، نقشه ای که دشمنان فرهنگ و تمدن اسلامی در سر می پروراندند و به موجب آن، قطع ارتباط با متون اسلامی صورت می گرفت. امروز هرکس الفبای فارسی را بداند می تواند به آسانی با متن اصلی قرآن آشنا شود. در تاریخ ایران، همواره عکس العمل عموم طبقات در برابر این نغمه استعماری به اندازه ای شدید بود که عمال استعمار را از صحنه مبارزات بیرون راند. لذا با بررسی دوره زمانی مقالات چاپ شده در مجله مکتب اسلام، موضع اصلاح و تغییر خط در نشریه مکتب اسلام که پیرامون مخالفت مجله و نویسندگان مقالات علیه بحث تغییر خط فارسی می باشد، موضوع تغییر خط فارسی کاملاً منفی اعلام شد.

منابع

- آخوندزاده، فتحعلی (۱۲۸۵ ق). نامه به وزیر علوم، تقلیس. *ژئوگرافیک و مطالعات فرهنگی*
- _____، بیوگرافی، بی نا. *رساله طابع علوم انسانی*
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹). اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.
- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷). از نیما تا روزگار ما، تهران: زوار.
- آزاد مراغه ای، ابوالقاسم (۱۳۲۴). الفبای آسان، تهران.
- ارفع الدوله، پرنس، رضا دانش تبریزی (۱۸۷۹ م). رساله رشديه در خط فارسی، استانبول.
- انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۰). آئینه پژوهش، شماره ۶۷، با تلخیص، فروردین.
- افشاربکشلوی قزوینی، رضا (۱۳۰۰ ق). پروژنگارش (دستور خط و زبان)، استانبول.
- استادی، کاظم و... (۱۳۹۰). دانشنامه خط فارسی، قم.
- _____، کتابشناسی خط فارسی، قم.

- _____ (۱۳۹۱). تاریخچه تغییر خط، قم.
- _____ (۱۳۹۰). گاهشماری خط فارسی، تهران: بهارستان.
- اویسی، علی محمد (۱۳۳۱ ق). راه نو (در الفبا و تغییر خط)، استانبول.
- بهروز، حسین (۱۲۹۹ ق). الفبای بهروزی، استانبول.
- بهروز، ذبیح (۱۳۲۵). خط و فرهنگ (ضمیمه شماره ۸ ایران کوده)، تهران.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۰۷). «مقدمه تعلیم عمومی»، تهران.
- تویسرکانی، قاسم، زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام.
- جمعی از نویسندگان (۱۲۸۰ ق). «جمعیت علمیه عثمانی»، سواد تقریر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۳۰). مکتب اسلام، دوره اول، شماره ۱.
- _____ (۱۳۳۸). مکتب اسلام، سال ۱۴، شماره ۵.
- _____ (۱۳۵۱). مکتب اسلام، سال ۱۴، شماره ۲.
- _____ (۱۳۴۴). مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۴.
- _____ (۱۳۳۹). مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۷.
- _____ (۱۳۵۷). مکتب اسلام، سال ۱۸، شماره ۱۲.
- حبیبی آزاد، ناهید، کتابشناسی خط و خوشنویسی، انجمن خوشنویسی ایران.
- خانلری، پرویز ناتل، «خط و زبان»، مجله سخن، دوره نهم، شماره ۱۰ و ۱۱ / ۱۲.
- ذکاء، یحیی (۱۳۲۹). «در پیرامون تغییر خط»، چاپخانه نقش جهان، تهران.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۱). «مشعلی روشن در فضایی تاریک»، مجله مکتب اسلام، ش ۱۲.
- فلسفی، محمدتقی، زندگی و خاطرات سیاسی فلسفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گرانفر، ابراهیم (۱۳۳۶). لزوم قطعی تغییر خط، تهران.
- گلبن، محمد (بی تا). کتابشناسی خط و زبان، بی نا.
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۴). اصلاح یا تغییر خط فارسی، تهران.
- ناظم الدوله، ملک (۱۳۰۳ ق). نمونه خط آدمیت، لندن.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۲). «تاریخ خط در ایران»، مجله کاوش، دوره دوم، شماره آبان.